

مرورنامه آزمون آزمایشی خلی سبز

سال تحصیلی ۱۴۰۴-۰۵

رشته انسانی

مرحله نهم

پایه یازدهم

ویژه یازدهمی های ۱۴۰۴

نام درس	مباحث	مؤلف	ویراستار	از صفحه	تا صفحه
ریاضی و آمار	فصل ۱ و ۲ (درس ۱) صفحه ۱ تا ۳۳	سروش موثینی	محسن فراهانی بردیا نصیری امیررضا رحیمی	۲	۲
زبان و ادبیات فارسی	درس ۱ تا ۶ و کارگاه تحلیل فصل دوم صفحه ۱۰ تا ۵۶	علیرضا نعمتی	زهره صادقی مالواجردی پوریا منصوری	۲	۳
علوم اجتماعی	درس ۱ تا ۸ صفحه ۱ تا ۷۲	محمدابراهیم مازنی	سعید ستوده مهر محمدحسین غلامی معراج صالحی نژاد	۳	۵
روانشناسی	درس ۱ تا ۴ صفحه ۸ تا ۱۱۱	سیده ضحی سکاکی	محمدحسین غلامی معراج صالحی نژاد	-	-
عربی	درس ۱ تا ۳ صفحه ۱ تا ۴۶	آریا ذوقی	معراج صالحی نژاد	۶	۶
تاریخ	درس ۱ تا ۸ صفحه ۱ تا ۸۸	علیرضا کاهیدوند	کیانا یوسفزاده معراج صالحی نژاد	۷	۹
جغرافیا	درس ۱ تا ۶ صفحه ۱ تا ۸۲	علیرضا کاهیدوند	وجیهه صادقی مالواجردی محمدحسین غلامی پوریا منصوری	۹	۱۰
فلسفه	درس ۱ تا ۶ صفحه ۱ تا ۴۹	مجید پیرحسینلو	شیر قنبری محمدحسین غلامی	۱۱	۱۲



مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



ریاضی

تابع همانی

۱) تابع همانی: تابعی که به ازای هر عددی که وارد شود، همان عدد از آن خارج می‌شود. مثلاً اگر $f(a) = b$ باشد، باید $a = b$ باشد.

۲) نمایش‌های مختلف تابع همانی:

نمایش تابع	ویژگی تابع ثابت	مثال
زوج مرتبی	مؤلفه اول و دوم هر زوج مرتب با هم برابر است.	$\{(2, 2), (-3, -3), (\sqrt{5}, \sqrt{5})\}$
پیکانی	اعداد سر و ته هر پیکان، یکسان‌اند.	
نموداری	روی نیمساز ناحیه اول و سوم قرار دارد.	
ضابطه‌ای	$f(x) = x$	

۳) در نمایش ضابطه‌ای تابع همانی، ضریب x یک می‌باشد و ضریب x^2 ، x^3 ، ... صفر و عدد ثابت هم صفر می‌شود. مثلاً اگر تابع $f(x) = (a-2)x^2 + (b-3)x + c-1$ تابعی همانی باشد، باید $a-2$ و $c-1$ صفر و هم‌چنین $b-3$ برابر با یک باشد، یعنی $a=2$ ، $b=4$ و $c=1$ هستند.

علوم و فنون ادبی

درس ۶: مجاز

مجاز: کاربرد واژه در معنای غیرحقیقی آن (مثلاً واژه ایران، در معنای مردم ایران به کار برود. در این جا مردم ایران غیرحقیقی «ایران» است و معنای حقیقی ایران، «کشور ایران» است.

مجاز دو پایه اصلی دارد:
 - قرینه: نشانه و سرنخی در سخن که ذهن را از معنای حقیقی به سمت معنای غیرحقیقی سوق می‌دهد.
 - علاقه (پیوند): رابطه‌ای که بین معنی حقیقی یک واژه با معنای مجازی آن برقرار است.

مثال «ماه، دشت لاله‌ها را روشن کرد»
 مجاز: ماه (منظور، نور ماه است نه خود ماه)
 قرینه: روشن کردن (که از آن درمی‌یابیم منظور خود ماه نیست، بلکه خود ماه که روشن نمی‌کند؛ نور ماه است که روشن می‌کند.)
 علاقه: بین ماه و نور ماه پیوندی وجود دارد که ذهن ما را از ماه به سمت نور ماه رهنمون می‌کند.

مثال «به یاد روی شیرین بیت می‌گفت چو آتش تیشه می‌زد، کوه می‌سفت»
 در این جا «بیت» در معنای خودش، که کوچک‌ترین واحد کلام موزون است، به کار نرفته و در معنای سخن شاعرانه به کار رفته است.

کل به جزء	دستش را در جیب گتاش بُرد ← کل (دست) را گفته‌ایم اما منظورمان فقط بخشی از دست (تا مچ) است.
جزء به کل	به یاد روش شیرین بیت می‌گفت ← جزئی از شعر (بیت) را گفته‌ایم اما منظورمان کل آن، یعنی شعر است.
ظرف و مظروف	گل در بر و می در کف و معشوق به کام است ← می کرا که مظروف است گفته‌ایم، اما منظورمان ظرف می (پیاله) است. (بالعکس آن هم وجود دارد.)
محلّیه	خروش برآمد ز دشت و ز شهر ← دشت و شهر را گفته‌ایم اما منظورمان مردم دشت و شهرند (ذکر محل، به جای خود آن چیز)
آلیه	تو فرد زبان نیستی گوش باش ← ابزار سخن گفتن (زبان) را گفته‌ایم اما منظورمان خود سخن گفتن است.
سببیه	این دم شنو ← دم یا نفس یکی از علت‌های سخن گفتن است. دم را که علت است گفته‌ایم اما منظورمان سخن است.
مشابهت	دوستان دلبر ما نرگس گویا دارد ← نرگس را گفته‌ایم اما منظورمان چشم است (به دلیل شباهت نرگس و چشم)

● جدول بالا در کتاب درسی نیامده، اما یادگرفتن آن در بعضی تست‌ها کمک می‌کند.



نکات مهم

- مجاز به علاقه مشابهت همان استعاره مصرحه است. (برای این که گیج نشوید لازم است نکته‌ای گفته شود: هر مجازی استعاره نیست و هر استعاره‌ای مجاز نیست. بعضی استعاره‌ها (مصرحه) مجاز هستند. بعضی استعاره‌ها (مکینه) مجاز نیستند. بعضی مجازها (به علاقه شباهت) استعاره هستند. بعضی مجازها (محلیه، آلیه و ...) استعاره نیستند.
- مجاز به علاقه شباهت مهم‌ترین نوع مجاز است.
- مجازهای رایج در تست‌ها:

سینه ← قلب	مشک ← زلف	لب ← دهان	گل ← رخسار	بازار ← دنیا
فندق ← ناخن	خط ← لب	چرخ ← آسمان	حرف ← سخن	انگشتر ← نگین انگشتر
سر ← موی سر / قصد / فکر / رهبر	گوهر ← اشک	خون ← کشتن	نگار ← یار	فردا ← آینده
نفس ← لحظه	دیروز ← گذشته	شهر ← مردم شهر	سیم ← سکه نقره	نان ← روزی

جامعه‌شناسی

درس ۷: جامعه جهانی

تعریف: در هر دوره تاریخی، جوامع مختلف و شبکه روابط میان آن‌ها، جامعه جهانی را می‌سازد.

– حالات جامعه جهانی –

جامعه جهانی براساس ویژگی‌های فرهنگی و قدرت تأثیرگذاری جوامع مختلف، حالت‌های متفاوتی به خود می‌گیرد:

پایامدها	شرایط
انسجام جامعه جهانی	برخورداری فرهنگ غالب از ویژگی‌های مطلوب فرهنگ جهانی
چالش‌های درون فرهنگی مثال: فرهنگ سلطه. جامعه جهانی را به بخش‌های مرکز و پیرامون تقسیم می‌کند؛ کشورهای پیرامون را به مرکز وابسته می‌سازد و زمینه ستیز و چالش میان آن‌ها را ایجاد می‌کند.	برخوردار نبودن فرهنگ غالب از ویژگی‌های مطلوب فرهنگ جهانی
● رخدادن تعاملات، گفت‌وگوها و برخوردهای فرهنگی و تمدنی	حضور فعال فرهنگ‌های متفاوت در سطح جامعه جهانی
● به وجود آمدن چالش‌های بین فرهنگی و تمدنی	
مثال: مواجهه فرهنگ غرب با فرهنگ اسلام نمونه‌ای از چالش بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در سطح جهان است.	

– جامعه جهانی در گذشته و حال –

- به صورت امروز نبوده است؛ یعنی ← فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، هر یک در بخشی از جهان، حاکمیت سیاسی مربوط به خود را به وجود آورده بودند. روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی بین کشورهای مختلف با حاکمیت‌های متفاوت برقرار بود و جامعه جهانی که از طریق این روابط شکل می‌گرفت به گونه‌ای نبود که سرنوشت تعاملات فرهنگی را تابع روابط سیاسی، نظامی یا اقتصادی قرار دهد.
- اگر برخی کشورها مورد هجوم نظامی قرار می‌گرفتند، در صورتی که از ظرفیت فرهنگی برتری برخوردار بودند، گروه مهاجم را درون خود هضم و جذب می‌کردند.
- فرهنگ‌های مختلف می‌توانستند از مرزهای جغرافیایی خود از طریق روابط تجاری یا گفت‌وگوهای مستقیم علمی و معرفتی، عبور کنند.
- مثال: فرهنگ ایرانی در دوره حاکمیت سلوکیان، هویت خود را حفظ کرد.
- چین با آن که از مغولان شکست خورده بود، فرهنگ خود را بر آنان تحمیل کرد.
- نشر و گسترش اسلام نیز متکی بر قدرت سیاسی و نظامی آن نبود؛ بلکه مرهون قوت و قدرت فرهنگی آن بود. ایرانیان به تدریج اسلام را پذیرفتند. مسلمانان آسیای جنوب شرقی از طریق تجارت با فرهنگ اسلامی آشنا شدند و به آن روی آوردند.
- فرهنگ غرب از سده هفدهم تا بیستم، شکل جدیدی به روابط میان جوامع با جامعه جهانی بخشید.
- در دو سده نوزدهم و بیستم، سازماندهی سیاسی و اقتصادی جدیدی شکل گرفت که جوامع غربی را به صورت جوامع مرکزی و دیگر جوامع را به صورت جوامع پیرامونی درآورد. طی این مدت، فرهنگ کشورهای غیرغربی نیز در حاشیه روابط و سازمان‌های سیاسی و اقتصادی جهانی، وضعیتی متزلزل و آسیب‌پذیر پیدا کرد.
- در سده‌های هفدهم تا بیستم، اقتصاد گسترده‌ای شکل گرفت که تقسیم کارش از مرزهای سیاسی و فرهنگی موجود فراتر رفت و نظامی در سطح جهان با عنوان «نظام نوین جهانی» پدید آورد که جوامع غربی را به صورت مرکز و سایر جوامع را به صورت پیرامون درآورد.

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



فرایند شکل‌گیری نظام نوین جهانی

در فرایند تکوین نظام نوین جهانی، مراحل چهارگانه زیر طی شد:

مرحله	عنوان	وقایع و رخدادها
اول	پیدایش قدرت‌های سیاسی سکولار	● زوال تدریجی قدرت کلیسا → منجر به حاکمیت فئودال‌ها و اربابان بزرگ (کنت‌ها و لردها) شد. → در نهایت، با انقلاب فرانسه دولت‌هایی شکل گرفتند که به طور رسمی جدایی خود را از دین اعلام کردند. ● دولت‌ملت‌های جدید پدید آمدند. → این دولت‌ملت‌ها، برخلاف حکومت‌های گذشته، خود را نه با هویتی دینی بلکه با ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی و خصوصاً نژادی و قومی می‌شناختند.
دوم	پیوند قدرت با تجارت، سرمایه و صنعت	● رشد تجارت و برده‌داری، انتقال برده‌های سیاه‌پوست آفریقایی به مزارع آمریکایی و انتقال ثروت به جوامع اروپایی → موجب شد که بازرگانان نسبت به زمین‌داران جایگاه برتری پیدا کنند. ● بازرگانان و دولتمردان به یکدیگر وابسته شدند. ● صنعت، انباشت ثروت سرمایه‌داران را سرعت بخشید.
سوم	به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری	● کشورهای غربی به مواد خام، نیروی کار ارزان و بازار مصرف کشورهای غیرغربی نیاز داشتند. آن‌ها برای تأمین منافع اقتصادی خود نیازمند درهم شکستن مقاومت فرهنگی اقوامی بودند که سلطه و نفوذ آن‌ها را تحمل نمی‌کردند. آن‌ها برای رسیدن به این هدف در وهله نخست از مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری استفاده می‌کردند. ● دولت‌های سکولار غربی در حمایت از مبلغان مسیحی انگیزه دینی نداشتند. آن‌ها همان‌گونه که در ابتدا برای حذف قدرت کلیسا و ایجاد سیاست سکولار، حرکت‌های پروتستانی را به خدمت گرفتند، در این مرحله، از تبلیغ مسیحیت برای گسترش جهانی قدرت خود استفاده کردند.
چهارم	استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی	● دولت‌های غربی ● با تبلیغ مسیحیت → فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را دچار اختلال می‌کردند. ● از طریق سازمان‌های فراماسونری → بر نخبگان سیاسی جوامع غیرغربی تأثیر می‌گذاشتند.
		● استعمار مهم‌ترین عامل ادغام جوامع غیرغربی در نظام جهانی جدید بود.
		● انواع کشورهای استعمارزده: ● استعمارزده از طریق اشغال کامل نظامی؛ مثل هند، اندونزی و الجزایر ● نیمه‌استعماری؛ مانند چین، عثمانی و ایران ● جوامعی بودند که قدرت مقاومت بیشتری داشتند و کشورهای غربی نمی‌توانستند به صورت مستقیم آن‌ها را تحت سلطه خود قرار دهند؛ به همین دلیل از طریق نفوذ کشورهای استعمارگر در نظام نوین جهانی ادغام شدند. ● جوامع استعمارزده به رغم مقاومت‌هایی که طی قرن بیستم انجام دادند، با استعمار نو و فرانو مواجه شدند.

درس ۸: تحولات نظام جهانی

– تحولات اقتصادی –

توضیحات مقدماتی درس در مورد «کشور»

- عملکرد اقتصادی کشورهای غربی در چهارچوب دولت - ملت‌های جدید شکل گرفت.
- قدرت سیاسی این دولت‌ها با منافع اقتصادی صاحبان ثروت، صنعت و تجارت هماهنگ بود.
- رقابت‌های سیاسی استعمارگران، به ویژه در مناطق استعمارزده، با منافع اقتصادی استعمارگران پیوند می‌خورد.

نتیجه

کشورهای استعمارگر ابتدا اقتصاد کشورهای استعمارزده را دگرگون کردند. پیش از استعمار، اقتصاد کشورهای غیرغربی اغلب در تعامل با محیط جغرافیایی خود و به گونه‌ای مستقل بود. روابط تجاری نیز در حدی نبود که استقلال سیاسی آن کشورها را در معرض خطر قرار دهد، اما در دوران استعمار، اقتصاد کشورهای استعمارزده و تحت نفوذ، برای رفع نیازهای اقتصادی کشورهای غربی، به تدریج تغییر یافت و ویژگی‌های خاصی پیدا کرد.

ویژگی اقتصادی کشورهای استعمارزده

- ۱) اقتصاد کشورهای استعمارزده و تحت نفوذ، به بازار مصرف کالاهای تولیدشده کشورهای غربی تبدیل می‌شوند.
- ۲) این کشورها، نیروی کار و مواد خام مورد نیاز کشورهای غربی را تأمین می‌کنند.
- ۳) در اغلب موارد، کشورهای تحت نفوذ و استعمارزده به طرف اقتصاد تک‌محصولی سوق داده می‌شوند؛ یعنی صادرات آن‌ها به یک ماده خام محدود می‌شود.
- ۴) تک‌محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده. → قدرت چانه‌زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می‌گیرد. → این پدیده، موجب وابستگی اقتصادی آن‌ها به کشورهای استعمارگر می‌شود.
- ۵) وابستگی اقتصادی → مبادلات تجاری در سطح جهانی را نامتعادل می‌کند و انتقال ثروت، به طرف کشورهای غربی را ادامه می‌دهد.
- ۶) کشورهای غربی به اقتضای بازار مصرف، برخی صنایع وابسته را به کشورهای استعمارزده منتقل می‌کنند، ولی این انتقال، در جهت استقلال این کشورها یا تعدیل جهانی ثروت نیست، بلکه در جهت منافع بیشتر کشورهای استعمارگر است. بدین ترتیب، با وجود رشد و تحول کشورهای استعمارزده، فاصله و وابستگی کشورهای غربی و غیرغربی، هم‌چنان حفظ می‌شود.

تحولات سیاسی (از افول دولت - ملت‌ها تا جهانی شدن)

نحوه پیدایش دولت - ملت‌ها	دولت - ملت‌ها، حاکمیت‌های سیاسی - اقتصادی جدیدی بودند که نخستین بار در اروپای غربی با افول قدرت کلیسا پدید آمدند.
ویژگی‌های دولت - ملت‌ها	● آن‌ها برخلاف حاکمیت‌های پیشین، خود را با هویت دینی و معنوی نمی‌شناختند و کاملاً سکولار بودند. ● هویت آن‌ها اغلب ناسیونالیستی و قومی است. ● این کشورها در مسیر توسعه خود به صورت قدرت‌های استعماری درآمدند و به دنبال فتوحات استعماری، جغرافیای سیاسی جدید را در مناطق حضور خود برای دیگر فرهنگ‌ها پدید آوردند؛ پس برای هر یک از این مناطق، هویت جدیدی ساختند. بدین ترتیب، دولت - ملت‌های جدید در بخش‌های دیگری از جهان شکل گرفت. هویت‌های جدیدی که برای هر یک از این مناطق جغرافیایی جدید ساخته می‌شود، هویتی قومی و سکولار است.
جهانی شدن	عواملی که سبب پیدایش دولت - ملت‌ها در تاریخ معاصر بشری شدند، در سده اخیر تغییر یافته‌اند و به دنبال آن، نقش کشورها و دولت‌های آن‌ها در جهان تغییر کرده است. برخی از این فرایندها را می‌توان جهانی شدن یاد می‌کنند.
مؤلفه‌های جهانی شدن	● اقتصاد سرمایه محور در حرکت‌های آغازین خود، نیازمند حمایت سیاست‌های قومی و منطقه‌ای بود، ولی به تدریج، انباشت ثروت، پدید آمدن شرکت‌های بزرگ چندملیتی و گسترش صنعت ارتباطات، از اهمیت مرزهای سیاسی کاست. ● با شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی و بازارهای مشترک منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی به منطقه‌ای خاص محدود نمی‌شود. آن‌ها با استفاده از شبکه‌های عظیم اطلاعاتی، تغییرات اقتصادی در سطح جهانی را شناسایی و مدیریت می‌کنند. ● کانون‌های ثروت و قدرت برای حفظ منافع خود، از طریق سازمان‌های بین‌المللی، موانع موجود بر سر راه تجارت بین‌المللی را برمی‌دارند و استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف را مخدوش می‌سازند.
مخالفان و موافقان فرایند جهانی شدن	موافقان برخی معتقدند جهانی شدن، فرایندی است که هیچ اعتنایی به مرزهای ملی ندارد و در حال ایجاد نظم نوین است که تجارت و تولید بین‌المللی آن را به پیش می‌راند. مخالفان برخی معتقدند در حال حاضر ابعاد اقتصادی و سیاسی جهانی شدن به گونه‌ای نیست که نظم نوین را در سطح جهانی به دنبال آورد؛ بلکه چالش‌ها و تضادهایی را پدید می‌آورد. مقابله با این چالش‌ها، بیشتر توسط جنبش‌هایی صورت می‌گیرد که فراتر از مرزهای سیاسی دولت‌ها عمل می‌کنند. مثال: برای مقاومت در برابر سیاست جهانی‌سازی اقتصادی قدرت‌های برتر اروپایی و آمریکایی، پیمان‌هایی از قبیل جنبش عدم تعهد، اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و ... بین دولت‌ها شکل گرفته است.

تحولات فرهنگی (امپراتوری رسانه، علم و فرهنگ)

در گذشته ————— جوامع از طریق تجارت، مهاجرت، جنگ و غیره با یکدیگر مواجهه داشته‌اند. این برخوردها سبب انتقال و اشاعه فرهنگ‌ها می‌شده و مبادلات فرهنگی از این طریق شکل می‌گرفته‌اند.

در جهان جدید ————— برخورد استعماری غرب، جوامع غیرغربی را از نظر اقتصادی و سیاسی در موضع ضعف قرار داد. این پدیده اغلب نوعی **خودباختگی فرهنگی** نیز در آن جوامع ایجاد کرد.

خودباختگی فرهنگی سبب می‌شود جامعه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهد و در نتیجه، عناصر فرهنگ دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به گونه‌ای تقلیدی فراگیرد.

● در شرایطی که جوامع غیرغربی، مدیریت خود را در گزینش عناصر مناسب فرهنگ غربی از دست می‌دهند، غرب مدیریت انتقال فرهنگ خود را در چارچوب اهداف اقتصادی و سیاسی مورد نظر به دست می‌گیرد. صنعت ارتباطات، ابزار تازه‌ای است که به جهان غرب در این مدیریت یاری می‌رساند. توسعه صنعت ارتباطات، فاصله‌های زمانی و مکانی را کوتاه و جهان را کوچک کرده و آن را به صورت دهکده‌ای واحد درآورده است.

— امپراتوری رسانه‌ای —

● به سبب موقعیت برتر کشورهای غربی و در رأس آن‌ها آمریکا، در عرصه رسانه، بسیاری از ناظران از **امپراتوری رسانه‌ای** نیز سخن می‌گویند. از این منظر، **امپراتوری فرهنگی** تازه‌ای تأسیس شده است که کشورهای کمتر توسعه‌یافته در برابر آن آسیب‌پذیرترند؛ زیرا منابع و امکانات لازم برای حفظ استقلال فرهنگی خود را ندارند.

● **تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت و کانون‌های صهیونیستی**، نه تنها هویت فرهنگی جوامع غیرغربی را متزلزل می‌گرداند؛ بلکه آشکارا برخلاف ارزش‌های دموکراتیک جهان غرب نیز هست. بسیاری از منتقدان، نگران این هستند که تمرکز قدرت رسانه در دست چند شرکت یا چند فرد قدرتمند، موجب تضعیف سازوکارهای دموکراسی می‌شود.

جهان غرب ————— از طریق رسانه ————— فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را مدیریت می‌کند.

جهان غرب ————— از دو طریق زیر، تربیت نخبگان کشورهای غیرغربی را انجام می‌دهد:

(۱) توزیع هدفمند علوم طبیعی و علوم انسانی	● جوامع غربی، بخشی از علوم طبیعی را که برای خدمت‌رسانی به غرب مورد نیاز است، به کشورهای در حال توسعه آموزش می‌دهند. ولی از آموزش دانش‌های راهبردی، خودداری می‌کنند.
(۲) تثبیت مرجعیت علمی غرب	● علوم انسانی غربی که بر بنیان‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی غرب بعد از رنسانس شکل گرفته‌اند، زندگی آدمی را بدون توجه به ابعاد معنوی آن، به گونه‌ای سکولار تعریف می‌کنند و سازمان می‌دهند. ● ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیرغربی، عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع فرهنگ غرب در جهان دارد؛ زیرا این علوم موجب می‌شوند که فرهنگ‌های دینی، هویت خود را از نگاه فرهنگ غربی بازنگری و ارزیابی کنند. این پدیده، فرهنگ‌ها را از علمی که بر پایه بنیان‌های معرفتی دینی است، محروم می‌گرداند.

مرورنامه آزمون آزمایشی خیل سبز

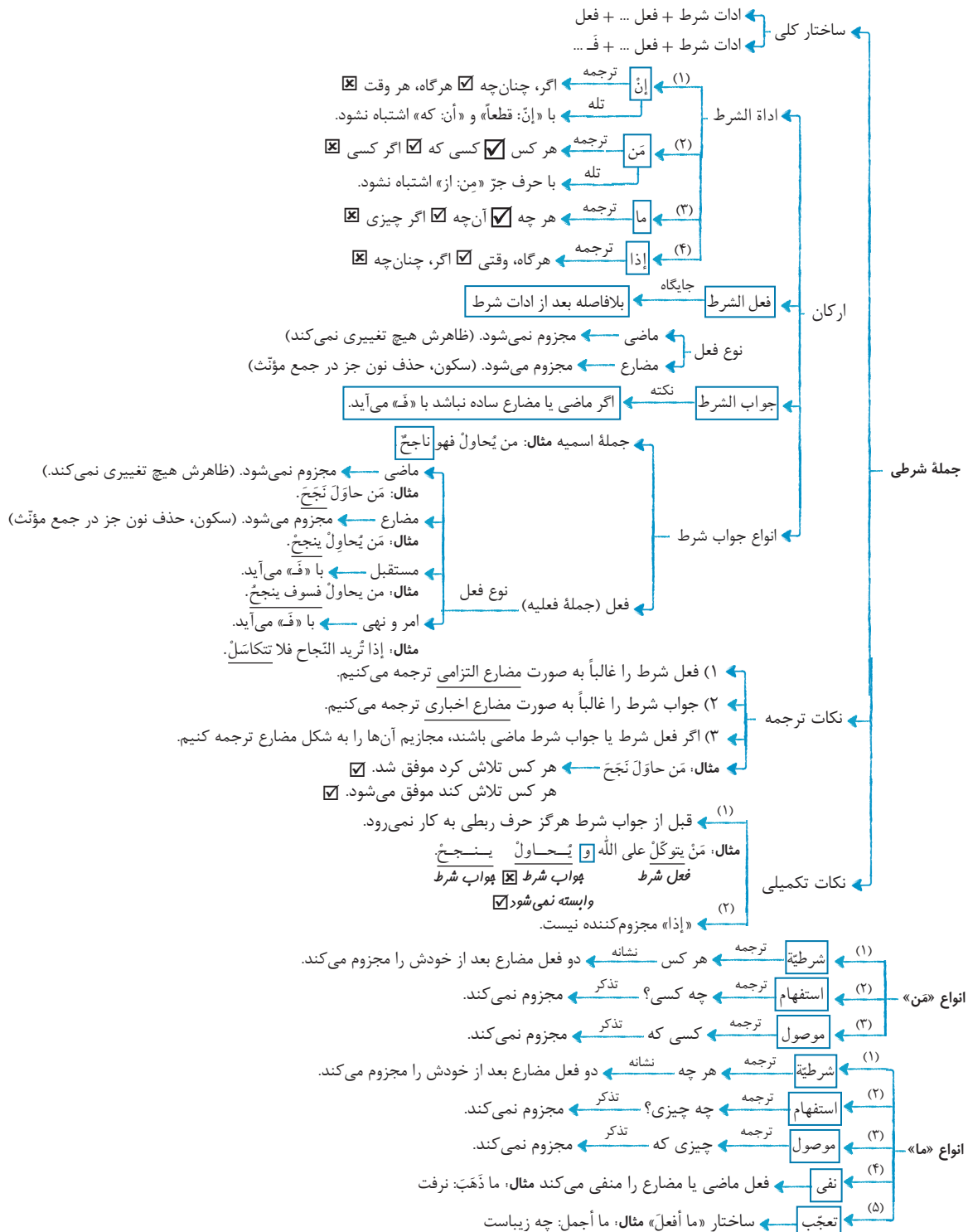


روان شناسی

در این آزمون از درس روان شناسی، مباحث جدیدی ارائه نمی شود. پیشنهاد می کنیم برای مطالعه مطالب گذشته به مرورنامه های قبلی سر بزنید.

عربی

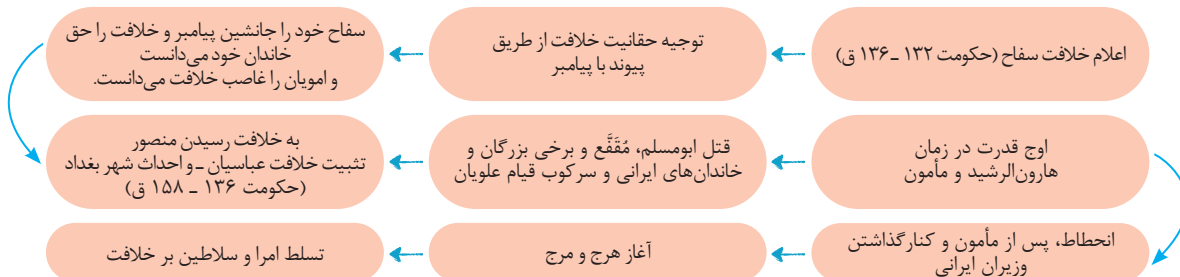
درس ۳





درس ۷: جهان در عصر خلافت عباسی

عباسیان، از اقتدار تا انحلال



— شکوفایی علمی و فکری —

- دوره خلافت عباسی را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: (۱) دوره نیرومندی و شکوفایی (۱۳۲ - ۲۳۲ ق) (۲) دوره ضعف و تجزیه (۲۳۲ - ۶۵۶ ق)

دوره نیرومندی

- قدرت خلفا و سیطره کامل بر امور حکومتی
- اجتناب از سیاست عرب‌گرایی امویان و برخورداری ایرانیان از مناصب دیوانی، وزارت و فرماندهی سپاه / لشکری

ایرانیان در خلافت عباسیان

- (۱) ابومسلم (سردار سپاه عباسیان که امویان را شکست داد و سفاح را بر تخت نشاند.)
- (۲) خاندان برمکی: در زمان هارون الرشید ۱۷ سال اداره امور خلافت را به عهده داشتند.
- (۳) خاندان سهل:

- ◀ مأمون با تدبیر آن‌ها خلیفه شد.
- ◀ فضل ابن سهل وزیر / حسن ابن سهل حاکم عراق
- ◀ مأمون تحت تأثیر بزرگان عرب فضل ابن سهل را به قتل و حسن ابن سهل را خانه‌نشین کرد.
- ◀ انتقال مرکز خلافت از بغداد به مرو
- ◀ تغییر لباس و پرچم سپاه عباسیان به رنگ سبز

دوره ضعف

- تسلط امیرالامراء بر خلافت
- قیام‌های ضد عباسیان در ایران، شمال آفریقا و مصر
- در جدول زیر با تحولات علمی و فکری دوره عباسیان آشنا می‌شوید:

● آموزه‌های قرآن و احادیث پیامبر ● فتوحات جدید ● حضور پیروان ادیان دیگر ● حمایت مادی و معنوی خلافت ● شکل‌گیری فرقه‌های جدید در دین اسلام	زمینه‌ها
● در دوران مأمون و هارون، فعالیت‌های علمی و فکری مسلمانان افزایش یافت. ● مراکز مهم علمی بغداد ← بیت‌الحکمه و رصدخانه بغداد.	اوج‌گیری فعالیت‌ها
● جنبش اقتباس و ترجمه آثار علمی به زبان عربی ● بیت‌الحکمه، محلی برای تجمع مترجمان و کانونی برای گفت‌وگوی علمی و تبادل افکار ● مشهورترین مترجمان: حنین ابن اسحاق، اسحاق بن حنین، بنوموسی (برادران خوارزمی) و خاندان بختیشوع	نهضت ترجمه (نیمه قرن دوم تا اواخر قرن چهارم)

نقش علمی امامان

- امام صادق: جریان وکالت
- امام جواد، هادی و حسن عسکری: تربیت شاگردان در مقابله با تحریف دین
- امام کاظم: (۱) منع شیعیان از همکاری با عباسیان (۲) زندانی شدن به دست هارون عباسی
- امام رضا: مأمون ایشان را از مدینه به مرو منتقل و ولیعهد خود نمود / با تغییر شرایط سیاسی ایشان را در توس به قتل رساند.

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



فاطمیان

- خاندانی از شیعیان اسماعیلی مذهب بودند. اسماعیلیه شاخه‌ای از مذهب شیعه بود که اسماعیل پسر امام جعفر صادق (ع) را به عنوان امام هفتم قبول داشتند و به استمرار امامت در فرزندان اسماعیل معتقد بودند.
 - عبدالله مهدی از نوادگان اسماعیل، حکومت فاطمیان را در شمال آفریقا بنا کرد. / تصرف مصر و پایتختی قاهره
 - اوج خلافت: زمان مستنصر (۴۲۷ - ۴۸۷)
 - حملات پیاپی سلجوقیان و جنگ‌های صلیبی باعث تضعیف فاطمیان و در نهایت انقراض به دست صلاح‌الدین ایوبی گردید.
- نتیجه
- ← مذهب اسماعیلیه از مذاهب عقل‌گرا بود
 - ← توجیه به فلسفه و کلام
 - ← تأسیس الأزهر، بادوام‌ترین دانشگاه جهان اسلام در قاهره
 - ← تأسیس مرکز علمی دارالعلم در قاهره
 - ← هدف از تأسیس مؤسسات: ترتیب عالمان و داعیان مسلط به تعلیم اسماعیلی و دیگر معارف
 - ← معماری مسجد جامع ازهر، حاکم و آقمر

روابط عباسیان و فاطمیان

- همواره خصومت‌آمیز
- تهدید حکومت عباسیان توسط فاطمیان با تسلط بر شام و حجاز
- گسترش دعوت مذهب اسماعیلیه

درس ۸: اسلام در ایران؛ زمینه‌های ظهور تمدن اسلامی - ایرانی

فتح ایران

- ساسانیان برای مقابله با حملات اعراب به مرزهای جنوب و جنوب غربی اقداماتی انجام دادند: ۱) ایجاد زنجیره‌ای از پادگان - شهرها در مرزهای جنوب غربی ۲) روی کار آوردن دولت دست‌نشانده‌ای از طایفه عرب آل‌منذر در حیره تا در برابر یورش اعراب از مرزها دفاع کنند. ۳) حکومت مرزبانان ایرانی در بحرین، عمان و یمن که از زمان پادشاهی خسروانشیروان به قلمرو ایران اضافه شده بودند.
- عوامل ضعف ساسانیان
- ← جنگ‌های طولانی و پرخرج با روم و صحراگردان شرقی
 - ← اختلاف و نزاع بزرگان و اشراف
 - ← جدایی و فاصله طبقات جامعه
 - ← شیوع بیماری و طغیان شدید دجله و فرات
 - ← از میان برداشتن حکومت آل‌منذر و شکست دسته‌ای از سپاه ساسانیان از قبیله‌های عرب

- جنگ‌ها -

- اعراب از اواخر خلافت ابوبکر و خلافت عمر بن خطاب طی چندین نبرد توانستند ساسانیان را شکست دهند و ایران را فتح کنند.
- برخورد های مسماتان و سپاهیان ساسانی
- ← جنگ جسر یا پل
 - ← پیروزی ایران در زمان یزدگرد سوم (۱۳ ق)
 - ← شکست ایران (۱۴ ق) و تصرف تیسفون (۱۶ ق)
 - ← جنگ قادسیه
 - ← شکست ایران (۱۶ ق)
 - ← جنگ جلولاء
 - ← جنگ نهاوند یا فتح‌الفتوح
 - ← پیروزی اعراب و قطعی شدن سرنوشت حکومت ساسانی (۲۱ ق)

عوامل شکست قادسیه

- ناامیدی رستم فرخزاد
- همکاری دهقانان و عرب‌های ساکن سواد
- خبر پیروزی اعراب بر رومیان در شام

- دو قرن حکومت اعراب بر ایران -

الف) عصر خلفای نخستین

اعراب مسلمان تا زمانی که نافرمانی صورت نمی‌گرفت، در اداره امور شهرها و روستاها دخالتی نمی‌کردند.

ب) دوره خلافت امویان

تحت نظارت والی عراق / شدت یافتن مهاجرت قبیله‌های عرب / هم‌زیستی تدریجی میان ایرانیان و مهاجران عرب.

ج) عصر خلافت عباسیان

بهبود شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی به نفع ایرانیان.



جنبش‌های دوران اموی

(۱) سیاسی - نظامی (۲) اجتماعی - فرهنگی: جنبش شعوبیان

جنبش‌های دوران عباسی

● نارضایتی و خشم مردم ایران نسبت به قتل ابومسلم، برمکیان و سهل ابوسلمه خلال

● سرکوب شدند اما سلطه خلفای عباسی در مناطق شرقی ایران به‌خصوص خراسان را سست کردند.

(۱) عصر خلفای نخستین ← پس از فتح هر شهری، فردی از میان فرماندهان سپاه، سران قبیله‌ها و ... به فرمان خلیفه حاکم آن جا شد. / امور دیوانی در اختیار ایرانیان / پایداری زبان پهلوی به عنوان زبان اداری (۲) دوره خلافت امویان ← حکومت شهرها و مناطق مختلف در انحصار کامل اشرافیت اموی و سران قبایل عرب بود. / معروف‌ترین والیان عراق و ایران زیاد بن عبدالله ابن زیاد / حجاج بن یوسف ثقفی / یوسف بن عمر (۳) دوره خلافت عباسیان ← در این دوره، برخی از سیاستمداران و دیوان‌سالاران ایرانی به مناصب مهم رسیدند. تداوم سلطه اعراب بر ایران و برخی اقدامات عباسیان، زمینه نارضایتی ایرانیان را فراهم آورد.

– برخورد ایرانیان با اعراب و اسلام‌پذیری –

● در ابتدا در مناطقی مثل قم با اعراب درگیر می‌شدند. ● همکاری و هم‌زیستی ابتدا در تجارت و کشاورزی و سپس در زمینه‌های فرهنگی ● روند اسلام‌پذیری تدریجی

● سرعت‌گرفتن اسلام‌پذیری در دوره عباسی به علت بهبود موقعیت سیاسی - اجتماعی ایرانی

(۱) جهانی‌بودن دین اسلام

(۲) جهان‌بینی توحیدی مردم ایران

(۳) مهاجرت گسترده اعراب و سادات علوی

جغرافیا

درس ۵: نواحی زیستی

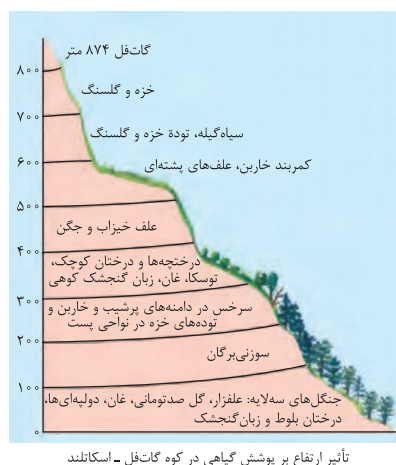
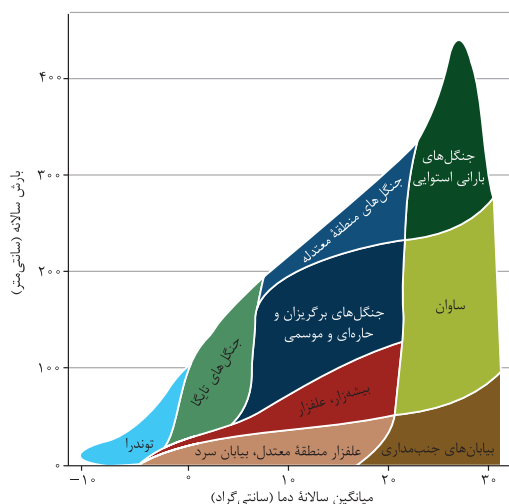
زیست‌بوم

● بوم‌سازگان (اکوسیستم) مجموعه‌ای از موجودات زنده که با یکدیگر و با محیطی که در آن زندگی می‌کنند، در ارتباط و تعامل‌اند.

● هر زیست‌بوم از تعدادی بوم‌سازگان که وسعت زیادی دارند تشکیل شده است.

– انواع زیست‌بوم‌ها –

از نظر گودی	از نظر وایتکر
(۱) تایگا	(۱) توندرا
(۲) بیابان	(۲) ساوان
(۳) توندرا	(۳) تایگا
(۴) ساوان	(۴) جنگل‌های بارانی استوایی
(۵) جنگل‌های بارانی استوایی	(۵) بیابان‌های جنب مداری
(۶) مراتع مدیترانه‌ای	(۶) جنب حاره‌ای
(۷) منطقه معتدله و ...	(۷) جنگل‌های بارانی معتدله و ...

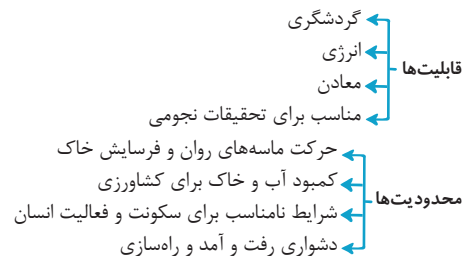


تأثیر ارتفاع بر پوشش گیاهی در کوه گات‌فل - اسکاتلند

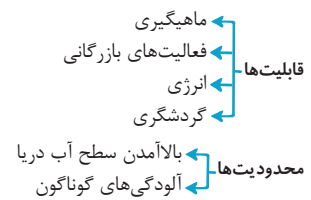
مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



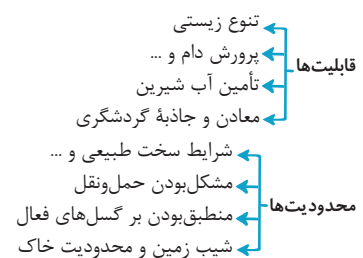
– بیابان‌ها –



– نواحی ساحلی –



– نواحی کوهستانی –



♦♦ درس ۶: نواحی فرهنگی ♦♦

ناحیه فرهنگی، بخشی از سطح زمین است که فرهنگ ویژه‌ای در آن غالب است و به سبب آن از سایر نواحی جدا می‌شود.

– زبان –

۱) از مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگی است. ۲) عنصر اصلی گسترش یک فرهنگ است. ۳) نمایش پراکندگی‌های زبان‌ها روی نقشه کار دشواری است.
انواع خانواده‌های زبانی ← هند و اروپایی / چینی - تبتی - آفرو - آسیایی (سامیایی - حامیایی)

– دین –

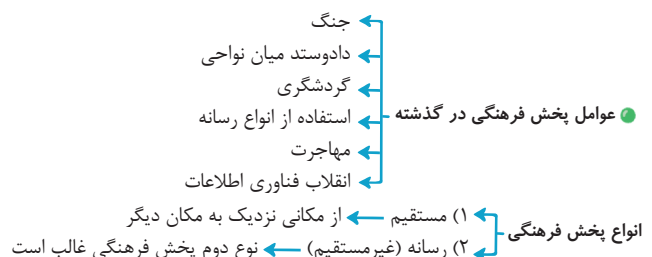
ادیان به دو دسته مبتنی بر یکتاپرستی (مثل اسلام، یهود، مسیح و زرتشت) و مبتنی بر پرستش غیر خدای یگانه (مثل هندوئیسم، بودائیسم و آنیسم) تقسیم می‌شود.

– چشم‌انداز فرهنگی –

۱) چشم‌انداز، منظره قابل رؤیت از یک مکان همراه با شیوه زندگی ساکنان آن است. ۲) فرهنگ هر ناحیه، عامل به وجود آمدن چشم‌اندازهای خاصی در آن ناحیه است.

– پخش یا انتشار فرهنگی –

● فرایندی که طی آن یک موضوع یا پدیده مانند زبان، مذهب و ... از یک مکان به مکان‌های دیگر گسترش می‌یابد.





♦♦ درس ۵: زندگی براساس اندیشه ♦♦

سوفیست‌ها (۱) عدم توانایی ما بر شناخت جهان (۲) عدم تطابق علم با واقعیت (صرفاً ساخته ذهن) (۳) روش: مغالطه و جدل و فن سخنوری

نتایج اندیشه‌های سوفسطائیان: (۱) کم‌رنگ‌شدن اخلاق و فضیلت میان مردم (۲) گرایش مردم به حق جلوه‌دادن باطل (۳) فاصله‌گرفتن جامعه آتن از حقیقت و فضیلت (۴) کم‌رنگ‌شدن حق‌طلبی در سایه جدل و سخنوری ماهرانه

سقراط (۱) چهره برجسته تاریخ فلسفه (۲) استوارکننده شالوده تفکر فلسفی اصیل (۳) بدون کتاب/ سراسر زندگی با فلسفه (۴) زندگی سقراط حکایت واقعی فلسفه (۵) نقل حکایت او توسط افلاطون (۶) صرف عمر در اصلاح جامعه و شناساندن افکار مغالطه‌آمیز سوفیست‌ها (۷) آموختن سؤال کردن در مورد هر چیزی (۸) به رخ کشیدن جهالت افراد قدرتمند و سفسطه‌گر

دلیل قیام سقراط علیه سوفسطائیان

احیای تفکر عقلانی	استواری فضیلت
-------------------	---------------

روش بحث سقراط — روش گفت‌وگو، پرسش و پاسخ مشهور به «روش سقراطی»

هدف سقراط از گشت‌وگذار در شهر— (۱) متقاعد ساختن انسان‌ها به عدم ترجیح جسم، مال و ثروت را بر کمال نفس خود (۲) یادآوری عدم کسب فضیلت از ثروت (کسب ثروت و ... از فضیلت)

رسالت سقراط از زبان خودش (رسالت از طرف خدا به وسیله نداهای غیبی و در رؤیاها)

(۱) بازنایستادن از بیدار ساختن، پنددادن و سرزنش کردن مردم (۲) عدم سخن گفتن و یا سکوت به خاطر پول (۳) هم‌نشینی با تهیدستان و هم‌چنین با توانگران به منظور پرسش از او و شنیدن سخنانش

— سقراط در برابر دادگاه —

اتهامات سقراط	(۱) فاسد کردن جوانان (۲) بی‌ایمانی به خدایان
نماینده متهم کنندگان	ملتوس
مجازات تقاضاشده	مرگ
حالت سقراط در دادگاه	چهره آرام، گام‌های استوار، لحن مطمئن
دفاعیه سقراط	بیانیه‌ای فلسفی حاوی همه اصول زندگی وی
سقراط، اتهام من (افترای دیرینه)	(۱) اتهام رفتار خلاف دین به من (۲) تلاش برای پی‌بردن به اسرار آسمان و زمین (۳) حق را باطل جلوه کردن و آموختن به دیگران
منشأ اتهام از نظر سقراط	جست‌وجوی او برای شناخت مدعیان دانش و جدا کردنشان از دانشمندان حقیقی — به غلط دانا نامیده شدن خودش / دانای حقیقی فقط خداست.
الهام سروش معبد دلفی	داناترین مردم، سقراط است.
راز سروش معبد دلفی	داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند هیچ نمی‌داند. (نشان دادن اوج نادانی انسان‌ها)
دفاع سقراط در برابر اتهام انکار خدایان	عدم امکان اعتقاد به علم، قدرت و عدالت فوق بشری در عین انکار وجود خدا (اثبات خدا از طریق صفات و آثارش)

مرورنامه آزمون آزمایشی خیل سبز



نکته

مطالب سقراط در عدم ترس از مرگ را در کتاب بخوانید. به طور کلی متن درس، بسیار پرنکته است.

نظر سیسرون (فیلسوف و خطیب رومی) پیرامون کار سقراط — (۱) آوردن فلسفه از آسمان به زمین و شهرها و خانه‌ها
— (۲) واداشتن فلسفه برای پرداختن به زندگی، اخلاقیات و خیر و شر

درس ۶: امکان شناخت

— توانایی شناخت؛ یکی از ویژگی‌های انسان —

نشانه‌های توانایی شناخت در انسان	سخن گفتن با دیگری، رفتن به سمت چیزی، دور شدن از آن و ...
حیطه شناخت انسان	خود و جهان پیرامون خود
نحوه افزایش شناخت	تدریجی و گام‌به‌گام / با عمل آموختن و یادگیری
محدوده شناخت	غیرمطلق و محدود / ناآگاهی از بسیاری از حقایق
اعتبار شناخت	گاهی نادرست و توأم با اختلاف با دیگران
معرفت‌شناسی (نظریه معرفت)	بخشی از فلسفه، مرتبط با پدیده شناخت و موظف به پاسخ به پرسش‌های پیرامون شناخت (مانند: شناخت چیست؟ آیا شناخت ممکن است؟ و ...) — رشد شاخه معرفت‌شناسی (همیشه جزئی از فلسفه) در گذشته: در ضمن مباحث فلسفی امروزه: به صورت شاخه‌ای مستقل به علت: (۱) طرح پرسش‌های جدی و جدید درباره معرفت (۲) ظهور دیدگاه‌های گوناگون
معنا و مفهوم معرفت و شناخت (چیستی معرفت)	روشن و بی‌نیاز از تعریف / ابهام صرفاً در لغت (امکان ارائه تعریف لغوی)
امکان معرفت	بدیهی، روشن و بدون نیاز به تحقیق و دلیل (انجام امور روزانه — امکان شناخت)
انکار امکان معرفت	گاهی در گذشته و زمان حاضر توسط برخی افراد

مغالطه‌های سوفیست‌ها — رأی به ناتوانی انسان در رسیدن به حقیقت و علم مطابق با واقع

نظر گرگیاس (سوفیست)	اولاً، چیزی وجود ندارد. ثانیاً، اگر وجود داشته باشد، قابل شناخت نیست و انسان ابزار آن را ندارد. ثالثاً، در صورت قابل شناخت بودن، انسان ناتوان از انتقال شناخت خود به دیگران است.
نظر مخالف (نظر کتاب درسی)	شک در برخی از دانسته‌ها غیر از شک در اصل شناخت شکاکیت مطلق: شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها — تناقض آلود بودن شکاکیت مطلق

دلیل بر توانایی بشر برای رسیدن به معرفت: پیشرفت پیوسته دانش بشر	باور طبیعی بشر به امکان شناخت خود و پدیده‌های دیگر + عدم برداشت ناتوانی از معرفت به دلیل اشتباهات خود — تلاش او برای دست یافتن به دانش‌های مختلف — پیشرفت دانش بشر (اثبات توانایی بشر بر شناخت)
---	---

دو شکل پیشرفت دانش بشر	
از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید در مورد عناصر و پدیده‌های جهان و گشودن شاخه‌های جدید دانش	از طریق پی‌بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آن‌ها